رواب ط نفس الامری در اعتبار معتبر و غرض

شاگرد۲: گویا به سؤال اصلی نوشته پرداخته نشد.

استاد: عرض میکنم؛ مهمترین بحث آن، استقلال است. همان ادعای جلسه قبل است. ببینید استقلالی که من عرض کردم، همه اینها مبادی آن بود. استقلال با همین بیانات بهخوبی سر میرسد؛ بند به انسان نیست. من عبارت ایشان را دوباره میخوانم: «وقتی عقلاء شخص اعتباری را اعتبار میکنند، یا ملکیت عقد را اعتبار میکنند، این اعتبار در راستای استیفاء اغراض خود عقلاء است که حامل ارزش آن، اعتبار بخشیدن به شخص حقوقی یا مالک است». اعتبار میکنند که یک کار است. شما میگویید معاملات پیچیده شد و الآن عقلاء نیاز به اعتبار دارند. میگوییم خب، الآن در اینجا رواب ط پیچیده اقتصادی برقرار است، خب عقلاء اعتبار میکنند که زید رئیس فلان مملکت باشد. این ربط به اینجا دارد؟! ماست و دروازه است. خب عقلاء اعتبار میکنند و بند به آنها است! اگر عقلاء میخواهند اعتبار کنند، درست است که معتبَر آنها اعتباری است، اما این عملیهٔ الاعتبار آنها اگر بخواهد آنها را به هدفشان برساند، باید معتبَر آنها و اعتبارشان، در بستری که میخواهند به اغراضشان برسند، در تناسب تام باشد؛ جزاف که نیست. ما عقلاء اعتبار میکنیم کتابی که در این قفسه هست، مالک باشد. بعدش چه؟ خب سائر اغراض ما هم برآورده میشود، چون اعتبار کردیم! درحالیکه اعتبار کردن، نمیتواند جزاف باشد. دست ما هم نیست. اینجا آن بحث مهم مطرح میشود که وقتی میخواهید اعتبار کنید، دارید به رواب ط نفس الامری توجه میکنید که بین چیزهایی هست که میخواهید آنها را دخالت بدهید.

در ملکیت، چرا وقتی میخواهید ملکیت را اعتبار کنید زوجیت را اعتبار نمیکنید؟ خب در موردی که عقلاء میخواهند ملکیت را اعتبار کنند، مگر به دی او نیست؟ خب زوجیت را اعتبار کنند! نه، باید بین معتبَر که مفهوم ملکیت است، با احکام و اغراضی که برای کتاب مملوک دارند، حتما باید تناسب باشد. در اینجا زوجیت معنا ندارد. بنابراین آن رواب ط نفس الامری، ربطی به انسان ندارد. انسان از آنها استفاده میکند.

بازبینی #3
ایجاد شده 14 سپتامبر 2025 16:53:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 13:51:35 توسط ... .